

ترجمه از: هوشنگ

توضیح مترجم: آن چه در پیش رو دارید ، ترجمه متن گفتگوی تام هارتمن - مجری آمریکائی برنامه "تصویر بزرگ" که توسط شبکه تلویزیونی "روسیه امروز" در خاک آمریکا پخش می شود ، با نویسنده و فیلمساز استرالیائی - جان پیلجر در مورد فیلم مستند جدید او به نام "جنگ قریب الوقوع با چین" و تشدید تضاد و امکان درگیری نظامی بین نیروهای امپریالیستی آمریکا ، چین و روسیه است که برخی معتقدند می تواند به جنگ جهانی سوم منجر شود. این گفتگو عینا از گفتار به صورت نوشتار در آمده و هنگام ترجمه ، هیچ گونه تغییری در متن گفتگو ها داده نشده است. (۱) در نتیجه ترجمه فارسی ، روال "محاوره" هارتمن با پیلجر را بدون تصحیح دستور زبان ، دنبال می کند. توضیحات داخل پرانتز و زیرنویس ها برای تفهیم هر چه بیشتر مصاحبه از طرف مترجم به متن اضافه شده اند.

شهریور ۱۳۹۶ برابر با سپتامبر ۲۰۱۷



جان پیلجر: جنگ قریب الوقوع با چین

۹ دسامبر ۲۰۱۶

تام هارتمن: سلام. من تام هارتمن ، در واشنگتن دی سی ، به برنامه "تصویر بزرگ" خوش آمدید. در سال جاری (۲۰۱۶) ، اگر شما هر یک از سخنرانی های انتخاباتی دونالد ترامپ را تماشا کرده باشید ، ممکن است بیهوده گویی ها و چرند و پرند حرف زدن های او علیه چین را شنیده باشید. آن طوری که او توضیح داده است و همچنان ادامه می دهد - چین دشمن فانی آمریکا و متخاصم آن برای قرن بیست و یکم و فراتر از آن است. با این حال ، دونالد ترامپ تنها کسی نیست که به نظر می رسد این گونه فکر می کند.

این به اصطلاح "چرخش به طرف آسیا" که رئیس جمهور اوباما در محور دستور کار دراز مدت سیاست خارجی خود قرار داده بود ، در بخش بزرگ خود بر اساس این ایده که چین یک دشمن بالقوه می باشد که نیاز است حتی شاید با توسل به زور با آن مقابله بشود ، مورد تأکید بود. اما آیا چین واقعا دشمن ما

است؟ یا این که ما آن ها را تبدیل به یک دشمن می کنیم؟ و در روند آن ، آیا ما خطر نابودی (توسط بمب های) هسته ای را دامن نمی زنیم؟

این پرسش ها در قلب فیلم مستند جدید تکان دهنده ای که توسط فیلمساز معروف ، جان پیلجر به نام "جنگ قریب الوقوع با چین" ساخته شده است ، وجود دارند که پخش آن در ایالات متحده به طور انحصاری در این جا توسط شبکه آمریکائی تلویزیون "روسیه امروز" برای اولین بار در شنبه شب ، ساعت ۹:۰۰ به وقت شرق (آمریکا) و ساعت ۶:۰۰ به وقت اقیانوس آرام (غرب آمریکا) پخش می شود. حالا ، جان پیلجر از یکی از استودیو های ما در لندن به ما می پیوندد. جان، به برنامه خوش آمدی.

جان پیلجر: با تشکر از شما ، تام

تام هارتمن: شما این فیلم مستند را نه با صحبت در مورد چین ، بلکه با بخش طولانی ای در مورد آزمایش هسته ای آمریکا در اقیانوس آرام ، شروع می کنی. علت آن چه بود؟

جان پیلجر: خوب، این در مورد احتمال ، اگر نه چشم انداز ، جنگ هسته ای است. گفته می شود که مسئله جنگ هسته ای و خطر جنگ هسته ای از بین رفته است. البته این خطر هرگز از بین نرفت و موقعیت کنونی (آمریکا) با چین و همچنین با روسیه ، دو نیروی مسلح هسته ای این را به ما یادآوری می کند. کل مسئله "جنگ سرد" با امکان رو در روئی با یک "مبارزه نهائی" هسته ای که ما را به خود مشغول کرده بود ، اکنون خیلی بیشتر مطرح است. منظورم این است که کل مسئله در مورد چین - من از این واژه ی بی بو و خاصیت استفاده می کنم - "غیر ضروری" است.

اما این اتفاق افتاد و جالب این است که این اتفاق افتاده است ، البته این مسئله برای چند سال است که اتفاق افتاده است ، اما در واقع مثل این است که همه تازه متوجه آن شده اند. در ایالات متحده و همین طور در این جا (انگلستان) ، در مورد ساخت باند هواپیمائی و فرودگاه در "جزایر اسپراتلی" (۲) در دریای جنوبی چین توسط چین ، اخبار زیادی منتشر می شوند. ولی در مورد این که آمریکا با حدود چهار صد پایگاه نظامی ، از استرالیا گرفته تا اقیانوس آرام ، آسیا ، گره ، ژاپن و سراسر یوروسیا (دو قاره متصل بهم اروپا و آسیا) ، چین را احاطه کرده است ، تقریباً هیچ چیزی گفته نمی شود.

و این یکی از احتمالاً افشا کننده ترین نقشه هایی است که من در این فیلم مستند مورد استفاده قرار داده ام که بر اساس تحقیقات عالی "دیوید وین" در کتاب "کشور پادگانی" نشان می دهد که کشور چین ، همان طور که می گویم ، با کشتی های جنگی ، با ناو بر هائی مملو از جت های بمب افکن و پایگاه های نظامی ، همچون حلقه طناب دار ، در محاصره قرار گرفته است. نیروی دریایی ایالات متحده ، کشتی هائی که در عمق کم هم می توانند حرکت بکنند را در نزدیکی های آب های چین نگهداشته است. این نوعی تحریک یا می توان گفت نوعی سناریو ، سناریوی درست قبل از جنگ است.

اما چرا؟ این امر با عقل جور در نمی آید و البته همه چیز در مورد سلطه است و آمریکا احساس اضطراب و ناامنی می کند ، حداقل دولت های مختلف ایالات متحده احساس کرده و می کنند که آن ها و جایگاه آن ها به عنوان سگ بر تر در جهان به چالش کشیده شده است.

نام هارتمن: شما در فیلم ، در مورد یک رویداد در اوکیناوا ، در دوران بحران موشکی در کوبا را شرح می دهید ، می دانید ، من (قبل از) دوران بحران موشکی در کوبا ، به دنیا آمده بودم ، اما هیچ خاطره ای از (رویداد اوکیناوا) نداشتم یا چیزی در مورد آن داستان نشنیده بودم. در مورد آن به ما بگویید. و این که آن حادثه چه چیزی را به ما نشان می دهد؟

جان پیلجر: خوب ، جالب است ، این طور نیست؟ شما درست می گوئید ، من نیز در آن زمان به دنیا آمده بودم و به خوبی بحران موشک در کوبا را به یاد می آورم. هیچ دلیلی از تهدید احتمالی در شرق وجود نداشت. اما در حقیقت آن چه اتفاق افتاده بود و به گونه ای که یکی از تکنیسین های سابق موشکی به کمیته سازمان ملل شهادت داد ، این بود که یک از سیلو های موشکی "میس " (۳) در اوکیناوا ، فرمان آتش تقلبی (غیر واقعی و دروغین) دریافت کرد. این موشک های "میس" به طرف چین و کره شمالی نشانه گرفته شده بودند. دو تای از آن ها به طرف اتحاد جماهیر شوروی ، اما بیشتر آن ها به طرف چین نشانه گرفته شده بودند.

و این ، قهرمان این قسمت (از فیلم) یک کاپیتان بود که اکنون مرده است ، همان کاپیتان ایالات متحده که این واقعیت را مورد سؤال قرار داد که در زمانی که به او دستور داده شده بود که موشکی را به طرف چین پرتاب کند ، سربازان زیر دست او در حال تماشا کردن گسترش بحران موشکی (بین آمریکا و) کوبا در تلویزیون بودند. در واقعیت ، آن واقعه هیچ ربطی به چین نداشت. بنابر این او به چندین نفر از خدمه اش دستور داد تا به محل دیگری از پرتاب موشک که این فرمان آتش را قبول کرده بود بروند و با هفت تیر های کالیبر ۴۵ خود ، آن ها را از این کار باز دارند.

این حادثه ای بود که هر شخصی می تواند تصوّر آن را بکند در حالی که بر این باور است که در واقع اتفاق اما این اتفاق افتاد. جان بوردون ، تکنیسین سابق موشکی که به این موضوع اشاره می کند ، نمی افتد. در این فیلم به ما می گوید که چه گذشت و توضیح می دهد که آن روز برای هواخوری از سیلو (ی موشک) بیرون آمد و نسیم دریائی را حس کرد و بین خودشان بحث در گرفت که چگونه نزدیک بود آن ها کره زمین را منفجر کرده باشند.

این یک تهدید از سلاح های هسته ای است و در حال حاضر ما اوکیناوا را داریم که (موشک ها) کاملاً در حالت (آماده باش) پرتاب قرار دارند ، نمی دانیم ، شاید با سلاح های هسته ای و آن هایی که در آستانه پرتاب بودند ، در اوکیناوا مخفیانه (کار گذاشته شده) بودند ، اما موشک ها در ۳۲ تجهیزات ارتشی ایالات متحده در حدود ۵۰۰ مایلی (۸۰۵ کیلومتری) از چین ، در حالت (آماده باش) پرتاب قرار دارند. این نوع خطری است که امروزه ما شاهد آن هستیم ، یا باید باشیم.

تام هارتمن: بله شما در مورد این که آمریکا حدوداً از هزاران پایگاه نظامی در سراسر جهان نگهداری می کند ، صحبت می کنید و همان طور که در فیلم متذکر شدید ، شما به صورت تصویری این چنین حلقه طناب دار را دور تا دور چین نشان می دهید. تا چه حد این پایگاه های نظامی ایالات متحده ، نسبت به پایگاه های باقی مانده از (دوران) جنگ جهانی دوم ، جدید هستند؟

جان پیلجر: خوب ، خیلی ، بعضی از آن ها باقی مانده (از دوران جنگ جهانی دوم) هستند ، منظورم این است که ، در توافق با حرف شما ، اوکیناوا از جنگ جهانی دوم باقی مانده است. تفنگداران دریایی (آمریکا) آن (جزیره اوکیناوا) را گرفتند و تقریباً مدعی شدند که مال خودشان هست و با این که این جزیره یک ایالت قلمرو ژاپن است ، (آن ها) واقعاً آن را ترک نکرده اند.

بنابر این، اما شما می دانید ، از این پایگاه به اصطلاح باقی مانده (از دوران جنگ جهانی دوم) ، ویتنام ، کامبوج ، لائوس ، عراق و افغانستان ، همه توسط هواپیماهای مقرر در اوکیناوا ، مورد حمله قرار گرفته اند. و در حال حاضر ، همان طوری که وقتی که در اوکیناوا بودم مطلع شدم ، تمام تنظیمات (تسلیماتی) این پایگاه ها به سمت چین و کُره شمالی است و کمی پائین تر در جزیره جیجو در جنوبی ترین نقطه کُره ، پایگاه جدیدی است که توسط نیروی دریایی کُره جنوبی ساخته شده است و به طور خاص برای ایالات متحده ساخته شده ، جایی که زیردریایی های هسته ای و ناوشکن های مجهز به موشک جدید "ای جیس" (محافظ) در آن جا نگهداری خواهند شد.

این حدود ۴۰۰ مایل (۶۴۴ کیلومتر) از شانگهای دور است. و این زنجیره ای از پایگاه ها که بعضی از آن ها ، همان طور که گفتید (از دوران جنگ جهانی دوم) باقی مانده اند ، اما چرا آن ها نابود نشده اند ، سؤال این است. در حالی که بسیاری دیگر ، مانند این (پایگاه) جدید در کُره ، (بعد از جنگ دوم جهانی و جدیداً) ساخته شده اند.

همچنین در کُره ، در سرزمین اصلی ، ما سیستم دفاع موشکی "تاد" را مشاهده می کنیم که ظاهراً با هدف گیری به طرف کُره شمالی برای محافظت از کُره جنوبی است. خوب ، این بی معنی است ، (چرا که) آن (موشک) ها به طرف چین نشانه رفته اند.

تام هارتمن: بله

جان پیلجر: و هنگامی که ما ، این همان سیستم دفاع موشکی است که آن ها درباره قرار دادن آن در اروپا از آن صحبت می کنند ، البته این سیستم دفاعی نیست ، این (کار) بسیار تحریک آمیز است.

تام هارتمن: شما با دستیار سابق دنگ شیائوپینگ به نام ژانگ وایوی مصاحبه ای داشتید و او در فیلم شما در مورد چین این را بیان کرد: اگر بی بی سی برنامه ای را پخش کند ، آن ها خوشنودند که همیشه چیزی راجع به این دیکتاتوری کمونیستی ، این (سیستم) خودکامگی (که منظور چین است) ، ذکر کنند.

در واقع با این نوع برچسب ، می دانید ، نمی توانید چین را آن طور که هست ، درک کنید. اما اگر شما بی بی سی یا سی ان ان را تماشا کنید و یا (مجله) اکونومیست را بخوانید و سعی کنید که چین را درک کنید ، در این کار موفق نخواهید شد. (درک چین از این طرُق) غیر ممکن است.

نام هارتمن: بنابر این ، جان پیلجر ، چرا غرب در شناخت از چین مشکل دارد ، چگونه این موضوع به تنش های فعلی ما مربوط می شود؟

جان پیلجر: (علت این که) غرب در شناخت از چین مشکل دارد به خاطر این است که غرب رسانه آزاد ندارد و این (به طور خلاصه) بُب کلام است. و کسانی (هستند که) به این موضوع آگاه نشده اند ، به ویژه با توجه به رویدادهای اخیر ، زمانی که در کمپین انتخاباتی ای که در ایالات متحده داشتید ، این مسائل بزرگ جنگ و صلح ، اساساً کنار گذاشته شده بودند و مورد بحث قرار نگرفتند. ما حرکت آزاد اطلاعات که خیلی افتخار به داشتن آن را می کنیم ، نداریم. این پاسخ کوتاه به آن (سؤال) است.

چرا این طور هست؟ همان طور که در ابتدا متذکر شدم ، خبرگزاری ها در مورد باندهای فرودگاهی ای که چین در دریای جنوبی چین ایجاد می کند، صحبت می کنند ، اما هیچ چیزی در مورد آن چه در این زمینه ایالات متحده ایجاد می کند نمی گویند ، این به اصطلاح "چرخش به طرف آسیا" است که من فکر می کنم که اکثر مردم آمریکا هرگز از آن خبری نشنیده اند ، و این در حالی است که آمریکا بزرگترین تأسیسات نیروی هوایی و نیروی دریایی ، از زمان جنگ جهانی دوم به این طرف را در جهان داراست.

این موضوع مطرح نبوده است، مورد بحث واقع نشده است. این موضوع کم اهمیت جلوه داده شده است و این شامل رسانه های معتبر - من در مورد خبرگزاری فاکس صحبت نمی کنم - در مورد رسانه های به اصطلاح معتبری مثل: نیویورک تایمز ، واشنگتن پست و بقیه صحبت می کنم.

به نظر می رسد ، حداقل این به نظر من آشنا می آید ، ممکن است برای شما هم آشنا باشد ، که ما در آن حالت کاتاتونیک (اختلال حرکات و رفتار ناشی از یک حالت ذهنی مختلط ، معمولاً اسکیزوفرنی) هستیم که جنگ سرد را به آغوش می کشیم (و پذیرا می شویم) ، آن چه بود. تفاوت (این موقعیت) با جنگ سرد - جنگ سرد قدیمی - در این است که در آن زمان خطوط قرمز وجود داشتند. خطوط قرمزی وجود داشتند که تنها در شرایط بسیار خطرناک از آنان عبور می شد. و هر دو طرف می دانستند که در کجا قرار گرفته اند.

این روزها خطوط قرمزی وجود ندارند. شما ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) ، نیروهای ناتو تحت رهبری آمریکا را در مرزهای غربی روسیه دارید. این در طول دوران جنگ سرد قدیم بی سابقه بوده است. در حالی که - همان طور که قبلاً اشاره کردم - یک گروه از کشتی های بزرگ نیروی دریایی ایالات متحده در حال حاضر در حال حرکت به طرف چین هستند.

اخیراً ، شما بزرگترین عملیات تمرین نظامی دریایی توسط آمریکا و استرالیا (با نام) "شمشیر طلسمی" را انجام دادید که در آن محاصره نیروهای چین در سراسر "تنگه مالاکا" تمرین داده شده بود. این اتفاق همین

سال گذشته رخ داد. ما در این مورد چیزی نمی دانیم. آن چه من می گویم این نکته است ، و چرا ما نمی دانیم؟ و این برای ما یک سؤال است.

تام هارتمن: درسته (واقعاً). پس از پخش آگهی های تبلیغاتی ، با جان پیلجر در مورد این فیلم مستند فوق العاده که در شب شنبه توسط شبکه تلویزیونی "روسیه امروز" که در ایالات متحده آمریکا پخش می شود ، بیشتر صحبت خواهیم کرد.

تام هارتمن: و به برنامه "تصویر بزرگ" خوش آمدید. من با فیلمساز افسانه ای - جان پیلجر درباره فیلم مستند جدید درخشانش به نام "جنگ قریب الوقوع با چین" صحبت می کنم که توسط شبکه تلویزیونی "روسیه امروز" در ایالات متحده آمریکا در شنبه ساعت ۹ شب به وقت منطقه شرقی (آمریکا) ، پخش خواهد شد.

جان ، در فیلم شما ، "اریک لی" که یک فرد اهل سرمایه گذاری و تجارت و دانشمند علوم اجتماعی است در ارتباط با رابطه بین ایالات متحده و چین این را می گوید: هرگز در تاریخ ، هیچ دو کشوری مثل چین و آمریکا وجود نداشته اند که این قدر به یکدیگر از درون وابستگی داشته باشند. و چین بزرگترین کشور تجاری در جهان و در تاریخ است. بنابراین اقتصاد چین و جامعه آن ها ، زندگی آن ها ، به کل جهان ، از جمله آمریکا و غرب و تمام کشورهای دیگر مرتبط است.

بنابر این من فکر می کنم که وابستگی متقابل بین این دو کشور و در میان همه ملت های جهان ، صحبت از صلح می کند.

تام هارتمن: جان پیلجر، با توجه به این ، چرا ما با این "چرخش به طرف آسیا"ی نیروی دریائی ، چین را تهدید می کنیم و حدس می زنم که این مسئله فراتر از نیروی دریایی ست و چرا ایالات متحده ، چین را با پایگاه های نظامی (خود) احاطه کرده است؟

جان پیلجر: پاسخی طولانی به آن وجود دارد، تام ، و این ربطی به دونالد ترامپ و یا واقعا هر رئیس جمهور دیگری ندارد. این در مورد یک سیاست خارجی حریصانه خشونت آمیز است که از زمان جنگ با کُره (شمالی) ، در راستای یک خط مستقیم اجرا شده است. موضوع بر سر سلطه گری است.

به (حرف های) اشتون کارتر - وزیر دفاع کنونی گوش بده ، او این (مسئله) را بسیار روشن ساخته است. او یک پرواکاتور (تحریک کننده) بسیار پرگوئی هست. او سخنرانی در ملاء عام را دوست دارد - همان چیزی را که در ذهن دارد ، بیان می کند. و او می گوید کسانی که با ما مقابله می کنند و می خواهند سلطه ما را انکار کنند - جمله بندی از من است - پس آن ها باید با ما طرف (مقابل) باشند. و او به چین و روسیه اشاره می کرد ، اما به طور عمده به چین.

در حال حاضر ، این یک نگرش است ، این سیاستی است که از یازدهم سپتامبر ، تقریباً صریح و واضح شده است. قبل از آن هم وجود داشت. این در واقع از سال ۱۹۵۰ وجود داشته است.

حمله به عراق در سال ۲۰۰۳، که احتمالا یک میلیون نفر را از بین بُرد و حدود چهار میلیون نفر را بی خانمان و در بدر کرد، همه این ها بر اساس فریب بود.

این بخشی از آن سیاست بود. بنابر این پاسخی طولانی به سئوالات شما وجود دارد، اما پاسخ کوتاه این است که چین به دومین قدرت بزرگ اقتصادی جهان تبدیل شده است. شاید حالا بزرگ ترین قدرت اقتصادی باشد. هرگز چنین افزایش قدرتی مثل آن وجود نداشته است. این در یک زمان بسیار بسیار کوتاه اتفاق افتاد و ایالات متحده می داند که حاکمیت آن، به عنوان مثال، در سراسر معاملات تجاری، وداع با همه توافق نامه های تجاری و تدارکات بانکی تحت سلطه ایالات متحده است.

چینی ها، یک سیستم بانکی موازی ایجاد کرده اند که معماری کل بانکداری "برتون وودز" (۴) را به چالش می طلبد. و چین تبدیل به (یک پدیده) توسعه دهنده، سازنده، نه تنها کارگاه بلکه سازنده شده است و برای ایالات متحده یک قدرت خوب شناخته شده باقی گذاشته که همانا قدرت نظامی آن است. به همین دلیل است که قدرت نظامی به نمایش گذاشته می شود، زیرا این قدرت ایالات متحده است. منظور این نیست که بگوئیم کسی خواهان یک جنگ هسته ای هست، اما این جوری نمی شود.

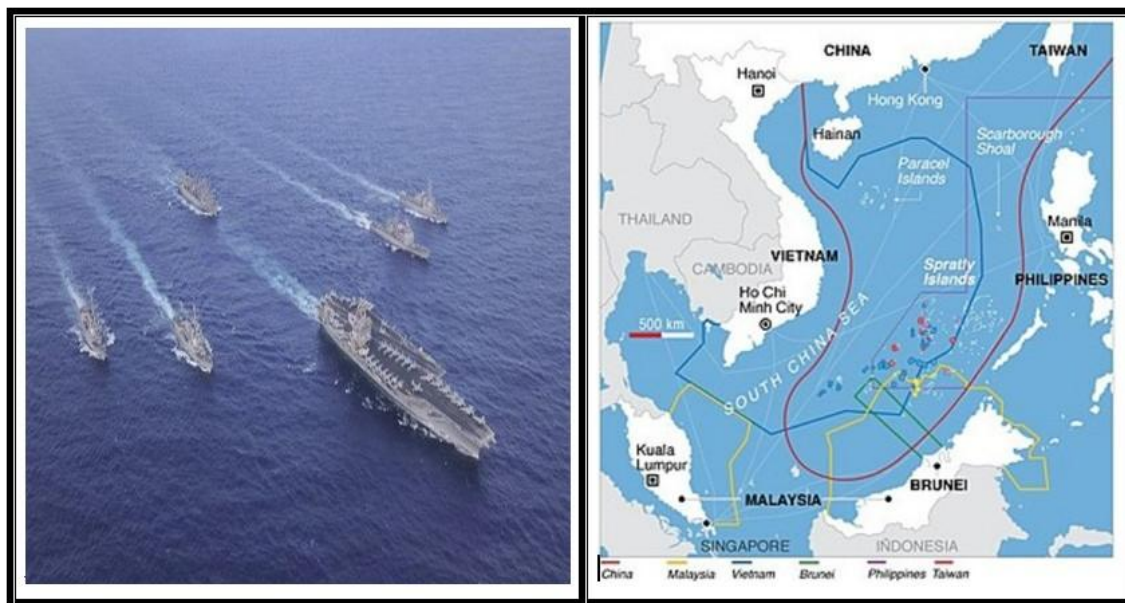
یک هیئت در ایالات متحده وجود داشت، فکر می کنم که در سال گذشته بود، که در آن ژنرال جیمز کارت رایت، سخنان بسیار جالبی در مورد فاصله تصمیم گیری، برای زمانی که یک کشور می داند که احتمالا قرار است مورد حمله سلاح های هسته ای قرار بگیرد، گفت. (این زمان) حدود ۱۲ یا ۱۵ دقیقه است. طبق اخبار منتشر شده، چین تا چندی پیش سلاح های هسته ای خود را در هشدار رده پائین نگه داشته بود. این بدان معنی است که موشک ها و کلاهک ها را از هم جدا کرده بودند. اما آن ها در حال حاضر در هشدار مرحله بالائی بسر می برند. چرا؟ در چین بسیاری مانند "اریک لی" وجود دارند. او در ایالات متحده تحصیل کرده بود. آن ها به آمریکا با دیده بسیار تحسین آمیزی نگاه می کنند. یکی از استراتژیست ها به من گفت "بین، ما دشمن شما نیستیم، اما اگر شما بخواهید که ما دشمن شما باشیم، ما باید (برای این کار) آماده بشویم".

و همین، من فکر می کنم که در محافل حاکم چینی مطمئنا این نظر ناخشنودی هست.

تام هارتمن: بنابر این، شما می دانید که چین دیوار بزرگ دارد. در حقیقت، یکی از نکاتی که در مستند شما مطرح شده این است که دیوار بزرگ، دفاعی است و به نظر می رسد که چین همواره بیشتر نگاه درونی داشته است تا نگاه بیرونی.

من یک متخصص در چین نیستم، ولی با نهایت اطلاعاتی که دارم، چینی ها (بیشتر به نگاه درونی) اعتقاد دارند و شما در این مورد تحقیقات انجام داده اید، اما می دانید آن ها هرگز نوعی از امپراتوری بزرگ بریتانیا که در قرن هجدهم انجام شد، را انجام نداده اند.

بنابر این موضوع از چه قرار است؟ (الف) آیا این درست است که آن ها توسعه گر نیستند و اگر نیستند ، پس موضوع جزایر اسپرانتلی چیست؟ و (ب) یک واکنش مناسب آمریکائی به رشد اقتصادی چینی که شما در مورد آن صحبت کردید ، چیست؟



من (قبلا) در چین بودم ، در واقع ، در سال ۱۹۸۶ یک ماه در چین زندگی کردم ، شما می دانید ، آن موقع آن جا ، جایی با جاده های خاکی بود. و اکنون این چنین شده است ، می دانید ، منفجر شده است. ایالات متحده چگونه باید پاسخ دهد؟ دو سؤال وجود دارند.

جان پیلجر: خوب ، ایالات متحده ، به نظر من ، باید از تهدید کردن جهان خودداری کند و تهدید کردن قدرت های هسته ای را متوقف سازد.

من فکر می کنم در فیلم من یک مصاحبه بسیار خوب با پروفیسور "تد پُستول" که مشاور سابق رئیس عملیات نیروی دریایی ایالات متحده است و اکنون در موسسه تکنولوژی ماساچوست (تدریس می کند) ، وجود دارد. او گفت ، چرا این اتفاق می افتد؟ چرا ما با مردم نمی نشینیم؟ چرا ما نمی توانیم ارتباط برقرار کنیم ، دنیایی داشته باشیم که در آن ارتباط برقرار بکنیم؟

دلیل آن این است که ایالات متحده هنوز یک نوع سیاست خارجی قرن نوزدهم را اجرا می کند. این یک سیاست خارجی (با پشتوانه) کشتی جنگی است. آن قدر تاریخ این (سیاست) قدیمی شده که هیچ کس آن را نمی خواهد ، زیرا همه می دانند که به کجا می تواند کشیده شود. آیا چین توسعه گر است؟ بله ، چین مرزهای خود را به عنوان مثال از تبت ، با تصاحب تبت و حوزه آن تضمین کرده است.

اما فراتر از آن ، فکر می کنم به غیر از نصب یک پایگاه کوچک نظامی در جیبوتی ، پایگاه هائی چینی ، پایگاه های نظامی ای وجود ندارند. (چین) فعالیت های اقتصادی و زیربنایی زیادی در سراسر جهان ، به ویژه در آفریقا دارد.

آفریقا بسیار جالب است ، جایی که چینی ها به آن جا رفته اند ، به جای آن که روند قدیمی غربی ها (را دنبال کنند) که در واقع بیان شود که کشورها فقط می توانند بر اساس شرایط ما ، شرایط بانک جهانی ، صندوق بین المللی پول رشد کنند ، چینی ها وارد شده و گفته اند که اجازه دهید که مواد خام شما در اختیار ما قرار بگیرند و ما جاده ها و پل ها و بنادر برای شما خواهیم ساخت. و این اتفاق افتاده است.

پاسخ آمریکا به آن (سیاست) کاملا نظامی بود. بنابر این شما درست از طریق آفریقا ، از طریق فرماندهی ایالات متحده در آفریقا که جدیدترین فرماندهی نظامی ایالات متحده است و در حال حاضر در آدیس آبابا مستقر می باشد ، در تقریبا تمام کشورهای بزرگ و همه کشورهای بزرگ آفریقا ، حضور نظامی دارید. یک حضور نظامی که در آن تسلیحات ارتشی به دولت های غالبا ناپایدار داده می شود ، و آن (روش) قدیمی و استعماری است ، این یک راه معامله امپریالیستی (متعلق به) قرن نوزدهم است.

چینی ها ، از سوی دیگر ، بله ، آن ها در حال گسترش هستند ، آن ها در آن جا هستند ، اما آن ها در حال گسترش در حوزه تجاری هستند. این (گسترش) در حوزه نظامی نیست. در حال حاضر ، آن ها یک قدرت بزرگ هستند. آن ها احتمالا ، همان طور که گفتم ، بزرگ ترین قدرت اقتصادی در جهان هستند. بنابر این آن ها دارند گسترش پیدا می کنند. اما هیچ کس خواهان گسترش در حوزه نظامی نیست ، زیرا این کار خطرناک است.

و این (حوزه نظامی) همان چیزی است که گسترش ایالات متحده (بر آن استوار) می باشد. اگر جهان به راهی که (خواست) ایالات متحده می باشد ، جلو نرود ، با نیروی دریایی ایالات متحده روبرو می شود.

این (سیاست) ، سیاست خارجی (با پشتوانه) کشتی جنگی شناخته می شد. و در آن زمان آن ها (استعمارگران) کلاه های مخصوص استعماری می پوشیدند. حالا دیگر نیازی به آن (کلاه ها) نیست. آن ها یونیفورم های ترسناک تری می پوشند و سلاح های ترسناک تری دارند.

نام هارتمن: به واقع. من ، در واقع من اخیرا در کنیا و سودان جنوبی و در مرز با دارفور بودم. من از حضور اقتصادی چینی در آن بخش از آفریقا شگفت زده شدم. شما در آخرین بخش ، هر دوی ما اشاره ای کردیم (به این موضوع) که ما هر دو ، جنگ سرد را به خاطر می آوریم.

من ، (مانور) "زیر میز تحریر قایم شو" در دهه ۱۹۵۰ در مدارس ابتدایی این جا ، در ایالات متحده را به یاد می آورم. (این مانور برای حفاظت جان دانش آموزان هنگام انفجار بمب اتمی احتمالی توسط شوروی ، به آن ها تمرین داده می شد).

در آن زمان من فکر نمی‌کنم که ما (چیزی) در مورد زمستان هسته ای می‌دانستیم. اگر من در این مورد اشتباه می‌کنم، شما می‌توانید من را اصلاح کنید، اما من فکر می‌کنم که دانش در مورد (زمستان هسته ای) بیشتر در دهه های شصت و هفتاد (میلادی) به دست آمد.

اما شما در فیلم خود به این (موضوع) اشاره می‌کنید. چیزی در فیلم شما وجود دارد که برای من شوکه کننده بود. من می‌خواهم این قسمت از ویدیو را نمایش بدهم. (ضمن ادامه صحبت های تام هارتمن، بخشی از فیلم در این جا بدون صدا به نمایش در می‌آید - مترجم) مطالعات علمی ای که من آموزش می‌دهم، توسط دانشمندان پیش بینی شده است که یک جنگ هسته ای زمین را غیرقابل زیست می‌کند.

دانشمندان به دولت اوپاما التماس کرده بودند، خوب، آن ها نمی‌گویند که التماس کرده اند، اما آن ها چندین درخواست برای دیدار با او و بحث در مورد این پیش بینی ها کرده بودند، زیرا آن ها این موضوع را با دقت بررسی کرده اند، ولی (درخواست) آن ها بارها و بارها رد شده بود. (پایان نمایش بخشی از فیلم که تام هارتمن به آن اشاره کرده بود - مترجم)

تام هارتمن: حالا، آیا این به این دلیل بود که (مسئله) به عنوان عقل متعارف مورد قبول واقع شده است، یا این که در این جا (در این زمینه) برخی انکار ها وجود دارد؟ موضوع چیه؟

جان پیلجر: موضوع بر سر انکار است، بر سر انکار است، "استیون استار" خودش متخصص در زمینه (سلاح های هسته ای) هست. او نظری نمی‌دهد، (بلکه) آن چه که همه می‌دانند که اتفاق خواهد افتاد را اعلام می‌کند.

او می‌گوید، شما می‌دانید در یک مبادله (جنگ هسته ای) بین چین و آمریکا (سراسر) زمین را دود فرا می‌گیرد و برای ده سال آینده، زمین بیش از حد سرد خواهد شد و محصولات غذایی نخواهند توانست در آن رشد بکنند. این اطلاعات، این اطلاعات به مدت بسیار طولانی شناخته شده اند، اما حالا، انکار می‌شوند.

حق با شماست. و شما می‌دانید، اگر به این انکار اقرار شود، پس از آن، کل صنعت (نظامی) در معرض تهدید قرار می‌گیرد. چقدر بود، در سال ۲۰۱۴، بودجه کمک های مالی کشوری برای تولیدکنندگان اسلحه، ۴۴۴ میلیارد دلار بود.

شبکه، شبکه عظیم، یا هر چه که نامیده می‌شود، امنیت ملی، صنایع نظامی، اما این چشم انداز بزرگ تسلیحاتی و جنگ افروزی و اطلاعات است که واقعا ایالات متحده و به خصوص در حال حاضر، (استیلای) طولانی و صعودی پنتاگون را (به جلو) می‌راند.

و نگاهی به کابینه دونالد ترامپ بیندازید، (این) یک کابینه ژنرال های (ارتشی) به نظر من می‌آید.

شما می دانید که بخش ذاتی ایالات متحده ، واقعیت ایالات متحده ، از این امر تهدید می شود ، زیرا بدون تهدید ، من فکر می کنم که جیمز برادلی در ابتدای فیلم می گوید: "بدون تهدید ، (آمریکا) چه کاری انجام می دهد؟"

تام هارتمن: بله این یک قطعه قابل توجه و کاملاً قابل توجهی از فیلم سازی است که شما در این جا انجام داده اید، جان ، ما فقط ۱۰ ثانیه (به پایان برنامه وقت) داریم. آیا شما خوش بین یا (این که) نگران هستید؟

جان پیلجر: اوه ، من خوش بین هستم ، زیرا در این فیلم نشان داده می شود که در اکیناوا ، در کره ، در جزایر مارشال ، بیان گر مقاومت فوق العاده ای هست. شما می دانید ، ما (طرفداران) خیلی زیادی داریم ، این ها ساکنین جزایری هستند که در برابر این (هژمونی) مقاومت می کنند.

تام هارتمن: بله

جان پیلجر: این واقعا یک فیلم خوش بینانه ای هست.

تام هارتمن: عالیه. عالیه. جان پیلجر ، از شما بسیار سپاسگزارم.

جان پیلجر: متشکرم از شما.

تام هارتمن: " جنگ قریب الوقوع با چین " فردا شب در ساعت ۹ بعد از ظهر به طور اختصاصی در ایالات متحده در آمریکای شمالی نمایش داده می شود.

و این (مطالب) برنامه امشب ماست. فراموش نکنید که دموکراسی یک ورزش تماشاگرانه نیست. به آن جا (صحنه مبارزه) بروید. فعال بشوید. دست بر سر شانه شما خورد ، حالا (دیگر) نوبت شماست!

زیرنویس های مترجم:

- ۱

<https://www.youtube.com/watch?v=6StL-AJLDwY>

<http://www.thomhartmann.com/blog/2016/12/transcript-john-pilger-coming-war-china-9-december-16>

۲ - جزایر اسپرانتلی ، واقع در دریای جنوبی چین ، جزایر مصنوعی هستند که به دست انسان ساخته شده اند. چینی ها با ریختن کیلومتر ها شن و سنگ و کلوخ در اطراف این جزایر سنگی پراکنده از هم ، موفق به مسطح کردن این جزایر و ایجاد باند های فرودگاه های ارتشی شده اند. این جزایر به خاطر نزدیکی با ویتنام ، مالزی ، فیلیپین و تایوان ، همواره جزو مناقشات منطقه ای این کشور ها با چین به حساب می آیند.

۳ - "میس" میله‌ی مزین به جواهر و گرز ماندنی است که در مراسم رسمی ، توسط شهرداران انگلیس و دیگر مسئولان دولتی به علامت سمبل قدرت حکومتی حمل می‌شود. بمب های هسته ای به همین نام (تی ام - ۷۶ - میس) از تخم و ترکه بمب هائی هستند که نازی ها در جنگ جهانی دوم در بریتانیا منفجر کردند. این موشک های سیزده متری ، هشت تُن وزن دارند. کلاهک موشکی آن دارای یک بمب هسته ای ۱.۱ مگاواتی است که قدرت آن بیش از ۷۵ برابر میزان انفجار بمب در هیروشیما افزایش یافته است و می تواند همه چیز را تا شعاع پنج کیلومتری از بین ببرد. دهانه و عمق گودالی که این بمب ایجاد خواهد کرد به ارتفاع یک ساختمان بیست طبقه خواهد بود. محیط زیست و خاک محل انفجار برای دهه های متوالی ، غیر قابل سکنی و کشاورزی خواهد شد.

۴ - در سال ۱۹۴۴ ، با امضای موافقتنامه سیستم مدیریت مالی "برتون وودز" ، قوانینی مربوط به روابط تجاری و مالی بین ایالات متحده ، کانادا ، اروپای غربی ، استرالیا و ژاپن ایجاد گردید. سیستم "برتون وودز" اولین نمونه ای از یک نظام پولی کاملاً مذاکره شده ، جهت کنترل روابط مالی بین کشورهای امپریالیستی می باشد.